

پاکستان و کشورهای آسیای مرکزی

طاهر امین^۱

فروپاشی شوروی، فصل نوی را در روابط بین‌الملل ایجاد نموده و تحولی بزرگ در جنبه‌های مختلف مناسبات میان کشورها به وجود آورده است. در این بین باید به تحولاتی از جمله تغییر در نظام توزیع قدرت در سطح جهانی، شکل جدید مناسبات منطقه‌ای، گسترش و توسعه اقتصاد بازار، اهمیت یافتن عنصر اقتصادی در روابط بین‌الملل، افزایش نقش بازیگران در سازمانهای بین‌المللی و طرح شدن بیشتر عامل قومیت، مذهب، فرهنگ و عقاید توجه نمود. جمهوری‌های آسیای مرکزی پس از کسب استقلال سیاسی در ۱۹۹۱، باید استقلال اقتصادی خود را نیز تحصیل کنند؛ اما حرکت از اقتصاد برنامه‌ریزی به یک اقتصاد بازار، با روندی بدون پیشینه تاریخی روبه‌روست.

مقدمه

ظهور پنج جمهوری آسیای مرکزی - قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان - به واسطه لرزش حاصل از فروپاشی اتحاد شوروی، رضامندی و خوشحالی زیادی در سطوح اداری رسمی و غیررسمی پاکستان به وجود آورد. بیشتر ناظران پاکستانی این امر را برای پاکستان به عنوان یک «فرصت تاریخی»^۲ تلقی می‌کنند و مشتاقند تا چشم‌اندازهای بنای روابط سیاسی و اقتصادی با کشورهای نوظهور آسیای مرکزی را مورد مطالعه قرار دهند.^(۱) آنها بازار مشترکی در چارچوب ساختار جدید «سازمان همکاری اقتصادی»^۳ را در نظر دارند که شامل پنج کشور آسیای مرکزی به‌علاوه جمهوری آذربایجان، پاکستان، افغانستان، ایران و ترکیه می‌باشد و بالمآل به سمت یک گروه منطقه‌ای با دلایل و الزامهای سیاسی و استراتژیک هدایت می‌شود. حتی بعضی ناظران امکان شرکت چین را در چنین تجمع منطقه‌ای پیشنهاد نموده‌اند. ولی با وجود این، گروهی دیگر از تحلیل‌گران که در اقلیت هستند این سناریو را رد می‌کنند و آن

۱. دکتر طاهر امین (Tahir Amin) از اعضای مرکز مطالعات سیاسی (Institute of Policy Studies) اسلام‌آباد پاکستان می‌باشد. این مقاله توسط آقای فاسم ملکی از زبان انگلیسی به زبان فارسی ترجمه شده است.

2. Historic Opportunity

3. Economic Cooperation Organization (ECO)

را غیر واقع بینانه شمرده و یک رابطه عملی، محدود براساس منافع متقابل را در نظر دارند.^(۲) آنها به بعضی از موانع و مخالفت‌های سخت اشاره می‌کنند از قبیل: وضعیت انتقالی و متغیر اقتصادی - سیاسی آسیای مرکزی، پیوندهای تاریخی این کشورها با جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع^۱، منافع سیاست خارجی روسیه، مشکلات مغشوش و درهم‌برهم افغانستان، محدودیت‌های اقتصادی پاکستان و استعداد بالقوه بسیار زیاد دیگر بازیگران بین‌المللی چون ترکیه، ایران، قدرتهای غربی، هند و اسرائیل جهت اغوا و اظهار دوستی با کشورهای آسیای مرکزی. بحث اساسی این نوشته آن است که دو نظریه بالا تا اندازه‌ای مبالغه‌آمیز و دور از حقیقت بوده و واقعیت چیزی مابین این دو می‌باشد. پاکستان یک رشته از اقدامات و حرکات معتدل فرهنگی، ارتباطی، اقتصادی و سیاسی در کشورهای آسیای مرکزی را با توجه به نتایج و آثار بلندمدت آغاز نموده است. پاکستان می‌تواند امکاناتی برای ارائه کوتاهترین راه تجاری به کشورهای آسیای مرکزی محصور در خشکی باشد؛ همچنین، پاکستان ظرفیت اعزام افراد متخصص، صدور کالاهای مهندسی و مصرفی، آموزش و تربیت فنی - علمی و ارسال کمک قابل توجه و مهمی در حرکت این کشورها به سمت اقتصاد بازار را داراست. در عوض، کشورهای آسیای مرکزی قادر به تهیه گاز، نفت و منابع معدنی دیگر برای پاکستان که فاقد انرژی است می‌باشند. فقدان ساختار ارتباطاتی مؤثر، بحران و مشکل حل نشده افغانستان و ماهیت متغیر بیشتر رژیم‌های موجود در آسیای مرکزی آن عوامل اصلی تلقی می‌شوند که ایجاد روابط سودمند و متقابل با دیگر کشورها را مانع می‌گردند. طرح‌های بلندمدت پاکستان برای ایجاد ارتباطات گسترده با کشورهای آسیای مرکزی در حال شکل‌گیری می‌باشند و بستگی تام و مستقیم به شکل و ماهیت آینده رژیمها در افغانستان و کشورهای آسیای مرکزی و همچنین وضعیت رهبری سیاسی در این کشورها دارد. ما ماهیت روابط جاری بین پاکستان و کشورهای آسیای مرکزی را در سطوح دو جانبه و چندجانبه تجزیه و تحلیل کرده و مشکلات و موانع در مقابل این روابط را بررسی می‌کنیم.

سطح دو جانبه سیاست

به موازات تغییر ماهیت سیاستهای جهانی پس از پایان جنگ سرد، پاکستان پذیرفت که

پایان نظم نوین جهانی اعلام شده از طرف ایالات متحده فرا رسیده است. اختلافات در روابط بین پاکستان و ایالات متحده که تاکنون به لحاظ بحران افغانستان و نیز مشاجرات در مورد برنامه هسته‌ای پاکستان، در حال کمون و مسکوت بود مورد توجه و مرکز دید واقع شده است.^(۳) این امر باعث شده که ایالات متحده کمکهای نظامی و اقتصادی خود را به پاکستان متوقف نماید؛ چرا که با تصحیح روابط همراه با سوءاستفاده از طرف آمریکا، روابط پاکستان و آمریکا خدشه برداشت. همچنین، ایالات متحده با تاجیکستان وارد گفتگو شده و نیز در پی اطمینان خاطرهای رهبران دیگر کشورهای آسیای مرکزی می‌باشد تا اینکه اعتماد آنها را جهت عدم تحویل اورانیوم غنی شده به پاکستان و ایران جلب نماید.^(۴) اخیراً ایالات متحده موضوع اینکه پاکستان از «معاهده کنترل تکنولوژی موشکی»^۱ تخطی نموده است را علنی نموده و در اطراف آن سروصدا به راه انداخته؛ بویژه این امر پس از دریافت موشکهای M-۱۱ چین از طرف پاکستان اهمیت بیشتری پیدا کرد.

ایالات متحده نیز بازگشت شش کشتی که به نیروی دریایی پاکستان در دهه ۸۰ اجاره داده شده بود را مطرح کرده است. از طرف دیگر، گزارش شده که دولت بوش در آخرین روزهایش جداً در پی این بود که پاکستان را جزو فهرست کشورهای تروریست اعلام نماید چرا که این کشور حمایت خود را از مبارزان کشمیری که برای به دست آوردن حق تعیین سرنوشت مبارزه می‌کنند مطرح کرده بود.^(۵)

دولت کلینتون آشکارا هنوز سیاست روشنی در مورد جنوب آسیا اعلام نکرده اما علائم نشان می‌دهند که روابط بین دو کشور به واسطه موضوع برنامه هسته‌ای پاکستان و حمایت عنوان شده از مبارزان کشمیری روبه سردی گذارد.

نظریه دیگری راجع به روابط پاکستان و ایالات متحده در دوران جنگ سرد گذشته نیز مطرح است. بعضی از افراد پاکستانی مثل برخی نخبگان آمریکا، اهمیت پاکستان را در ارتباط با آسیای مرکزی به عنوان یک عامل بالقوه اصلی تثبیت و موازنه در منطقه مورد ملاحظه قرار می‌دهند. آنها اهمیت پاکستان را به عنوان یکی از کشورهای موافق ملایم نمودن تمایلات اسلامی در مقابل تمایلات افراطی اسلامی، داشتن کارشناسان زبده و مجرب که می‌توانند در کمک به حرکت کشورهای آسیای مرکزی به سوی اقتصادهای بازار مفید باشند و کنترل و نفوذش بر افغانستان به عنوان دروازه‌ای به سوی آسیای مرکزی به واسطه حضور مستقیم پاکستان

در مسئلهٔ جهاد افغانستان طی ده سال گذشته، یادآور می‌شوند.^(۶) یک سند از وزارت دفاع ایالات متحده، اهمیت پاکستان را در این مورد برای آمریکا به جهت روابطش با کشورهای آسیای مرکزی چنین گوشزد می‌کند: «درخصوص پاکستان، رابطه سازندهٔ نظامی بین ایالات متحده و پاکستان عنصری مهم در استراتژی ما برای حمایت و ترفیع شرایط امنیت استوار در جنوب غربی آسیا و آسیای مرکزی خواهد بود. بنابراین، ما باید کوشش کنیم که روابط نظامی خود را دوباره بسازیم به نحوی که راه‌حل قابل‌قبولی نیز برای رابطهٔ هسته‌ای ما باشد».^(۷) ظهور جنبش مقاومت عمومی در کشمیر هندوستان برای به‌دست آوردن حق تعیین سرنوشت، این امر را به درجه‌ای مهم نزدیک به سطح انفجار تنشها بین هندوستان و پاکستان هدایت نموده است. هندوستان به لحاظ حمایت پاکستان از جنبش مقاومت عمومی در کشمیر در روابط خود با این کشور تجدیدنظر کرده است. افزایش احساسات میهن‌پرستی هندوها در هند که منجر به تخریب مسجد بابری^۱ گشت روابط هند و پاکستان را بدتر و وخیم‌تر نمود. روابط هند و پاکستان روند نزولی داشته و هر کشور شماری از دیپلماتهای ارشد کشور دیگر را اخراج نموده و اجلاس سارک^۲ که قرار بود در داکا برگزار گردد لغو گردید.

رابطهٔ مشکل‌دار پاکستان با ایالات متحده به‌واسطهٔ موضوع عدم بسط فعالیت‌های هسته‌ای و رابطهٔ خصومت‌آمیز با هندوستان در مورد منازعهٔ طولانی‌مدت کشمیر، به پاکستان فشار وارد آورده است تا در جستجوی اتحادها و وصلتهای جدید در جنوب غربی آسیا و آسیای مرکزی باشد. رهبران پاکستان بتازگی اهمیت بیشتری برای روابطشان در سطح منطقه‌ای قایل بوده، بویژه توجه آنها بر کشورهای آسیای مرکزی متمرکز بوده است. علاوه بر ملاحظهٔ منافع امنیتی‌اش، پاکستان همچنین اهمیت زیادی برای همکاری اقتصادی منطقه‌ای در شرایط جدید جهانی قایل می‌باشد. رهبری پاکستان، ظهور کشورهای جدید در آسیای مرکزی را به‌عنوان یک فرصت خدادادی جهت تأسیس بنیادی اقتصادی چون آسه‌آن^۳ یا جامعهٔ اقتصادی اروپا^۴ می‌پندارند.

پاکستان بسرعت استقلال کشورهای آسیای مرکزی را به‌رسمیت شناخت و روابط دیپلماتیک خود را با آنها برقرار نمود. کنسولگری‌های پاکستان در سه جمهوری ازبکستان، قزاقستان و تاجیکستان شروع به کار نموده‌اند و بقیه در موقع خود افتتاح خواهند گشت.

1. Babri Mosque

2. SAARC

3. ASEAN

4. European Economic Community (EEC)

نواز شریف نخست‌وزیر اسبق و خانم بی‌نظیر بوتو از کشورهای آسیای مرکزی دیدار نموده و رهبران ۵ کشور آسیای مرکزی و جمهوری آذربایجان نیز متقابلاً از اسلام‌آباد دیدار نموده‌اند. همچنین، بیش از ۳۰ موافقتنامه در مورد بازرگانی، همکاری اقتصادی، ارتباطات، توسعه زیربنایی، علمی، فنی و مبادلات فرهنگی بین پاکستان و کشورهای آسیای مرکزی به امضا رسیده است.

اگرچه پاکستان و کشورهای آسیای مرکزی بر بُعد اقتصادی این روابط تأکید می‌کنند ولی مسائل استراتژیک و سیاسی بسط یک تجمع منطقه‌ای وسیع‌تر از نظر رهبران پاکستان دور نمانده‌اند. پاکستان در جستجوی حمایت کشورهای آسیای مرکزی در قبال موضوعاتی منطقه‌ای مثل کشمیر و افغانستان می‌باشد. در دیدار نواز شریف از ازبکستان در ۲۸ ژوئن ۱۹۹۲، اسلام‌کریم‌اف رئیس‌جمهور ازبکستان اعلام کرد که تاشکند یک نقش تاریخی را در برقراری صلح بین هند و پاکستان در ۱۹۶۶ ایفا نموده است؛ با ارجاع به اعلامیه تاشکند بین هند و پاکستان که با وساطت اتحاد شوروی پس از جنگ ۱۹۶۵ هند و پاکستان منعقد شد. رئیس‌جمهور ازبکستان دو کشور را به توافق مسالمت‌آمیز در مورد منازعه کشمیر بر طبق قطعنامه‌های سازمان ملل فرا خواند. این امر یک حمایت آشکار از موضع پاکستان در مورد مسئله کشمیر تلقی می‌گردد.^(۸)

کنفرانس وزرای امور خارجه کشورهای اگو در ۲۹ نوامبر ۱۹۹۲ برپا شد و سومین گردهمایی در مارس ۱۹۹۵، حمایت از موضع پاکستان در منازعه کشمیر در مقابل هندوستان را تصویب نمود.^(۹)

همچنین، در مورد مسئله افغانستان، اعلامیه‌های مشترک بین پاکستان و کشورهای آسیای مرکزی مکرراً ضرورت برقراری وضع عادی در افغانستان و درخواست از رهبران افغان برای موافقت با راه‌حلی که شامل مشارکت گروه‌های قدرتمند موجود باشد را تأکید نموده است. پاکستان تأکید دوباره از اعمال سیاستش در مورد افغانستان در قبال کشورهای آسیای مرکزی نموده است.

به لحاظ جنبه‌های سیاسی - استراتژیک، پاکستان آشکارا تلاش دارد که کشورهای عضو اگو را به عنوان یک نیروی متعادل کننده در مقابل هندوستان در سطح منطقه مطرح نماید. یک اظهار نظر رسمی در مورد آسیای مرکزی تأکید دارد که روابط پاکستان با کشورهای آسیای مرکزی می‌تواند جنبه‌های گوناگون استراتژیک که پاکستان فاقد آن است را برایش فراهم کند.^(۱۰) هنوز روشن نیست تا چه حدی کشورهای آسیای مرکزی با نقطه نظرهای سیاسی - استراتژیک پاکستان

هم‌رأی هستند؛ چرا که اولویتهای این کشورها یکی بقای سیاسی رژیمهای شکننده‌شان و دیگری حل بحران اقتصادی جاری در آنها پس از فروپاشی اتحاد شوروی سابق می‌باشد. تصمیمات سیاست خارجی کشورهای آسیای مرکزی با توجه به دو مسئله بقای سیاسی و بهبود اقتصادی اتخاذ می‌گردند. ثانیاً، این کشورها مایل نیستند که رابطه سودمند بالقوه خود را با هندوستان در خطر اندازند که قبلاً در شکل اتحاد شوروی سابق توسعه یافته بود. هندوستان با کشورهای آسیای مرکزی رابطه تجاری و تشریک مساعی فعالی را به‌طور وسیع‌گسترش داده بود که شامل زمینه‌های مدیریت، جهانگردی، فعالیتهای ساختمانی می‌گشت.^(۱۱)

اقتصاد

پاکستان به درستی از ابتدا بر بُعد اقتصادی روابطش با کشورهای آسیای مرکزی تأکید کرده بود. نواز شریف نخست‌وزیر اسبق پاکستان در هنگام گشایش کنفرانس وزرای خارجه کشورهای اکو در اسلام‌آباد در تاریخ ۳ نوامبر ۱۹۹۲ اعلام داشت:

«سازمان ما اکنون در امتداد آن ناحیه قدیمی که سعادت‌مندی و تمدن برای مردمش به ارمغان آورده بود گسترش یافته و انجام تحولات پُرثمر در طول راه قدیمی ابریشم از سر گرفته می‌شود. مردم این سرزمینها دارای تاریخی مشترک بوده، همچنین از ارزشهای معنوی و فرهنگی یکسان برخوردارند.»^(۱۲)

وی چهار موضوع مشترک را برشمرد: ۱. تسهیل تجارت دوجانبه و همکاری اقتصادی و توسعه نهادهای مالی و بازرگانی؛ ۲. رشد منابع انسانی و همکاری در علوم، تکنولوژی و ارتباطات؛ ۳. ایجاد شبکه وسیع راههای جاده‌ای، راه‌آهن و خطوط هوایی برای پشتیبانی و تأمین توسعه، فعالیتهای اقتصادی بین اعضای اکو؛ ۴. افزایش تعاملات و رفت‌وآمدها میان مردم منطقه از طریق مبادلات فرهنگی و ارتباطاتی.

غلام‌اسحق خان رئیس‌جمهور سابق همچنین بر همکاری‌های نهادینه شده در تمامی بخشهای اقتصادی تأکید کرد. او گفت که دو زمینه زیر موضوعات عاجل و اصلی کشورهای اکومی‌باشند:

الف) ایجاد بازار مشترک برای عبور آزاد کالاها و خدمات بین کشورهای مسلمان؛

ب) افزایش سرمایه‌ها و ایجاد بازارهای مالی برای فراهم نمودن امنیت مالی و توازن پرداختها جهت حمایت کشورهای عضو.

او گفت: پاکستان آماده بود که تسهیلات بندری خود را در اختیار کشورهای آسیای

مرکزی قرار دهد تا براساس قراردادهای دوجانبه، این کشورها نیز به بازارهای پاکستان دسترسی داشته و ورود به اقتصاد بازار آزاد را تجربه نمایند.^(۱۳) مقامات رسمی پاکستان تأکید نموده‌اند که اکو صرفاً یک «بلوک مسلمان»^۱ نبوده بلکه بیشتر یک «بلوک اقتصادی»^۲ می‌باشد.^(۱۴)

اقتصاددانان پاکستان شماری از موارد مکمل بین اقتصادهای دو منطقه (آسیای مرکزی و آسیای جنوب غربی) را ذکر می‌کنند. جمهوری‌های آسیای مرکزی گاز، نفت، الکتریسیته و مواد خام معدنی نظیر مس، کروم و سنگ آهن و سرب به پاکستان صادر کرده و در مقابل، کالاهای نساجی، سیمان، دارو، کفش، ماشین‌آلات و تجهیزات مخابراتی وارد می‌نمایند. مذاکراتی در سطح بالا به ریاست سردار آصف احمدعلی وزیر امور اقتصادی که از روسیه و جمهوری‌های آسیای مرکزی دیدن نمود با این کشورها انجام شد که حاصل آن انعقاد چند موافقتنامه اقتصادی دوجانبه با ازبکستان، آذربایجان، تاجیکستان، قرقیزستان و قزاقستان بود. پاکستان ابتدا، برای هر جمهوری ۳۰ میلیون دلار اعتبار باز نمود تا در زمینه‌های سرمایه‌گذاری مشترک در: استفاده از پنبه، نساجی، پوشاک، دارو، کالاهای مهندسی، تجهیزات جراحی، ارتباطات و صنایع وابسته به کشاورزی به کار گرفته شود.^(۱۵) همچنین، پاکستان موافقت نمود که در آموزش بانکداری، تجارت، درآمد مالیاتی، علوم و مدیریت کشورهای آسیای مرکزی مشارکت داشته باشد. به‌علاوه، پاکستان قرار است هتلهایی را در این جمهوری‌ها احداث نماید.

تاجیکستان که در شکل اتحاد جماهیر شوروی سابق از جهت ذخایر انرژی به‌طور مطلق مقام دوم را دارا بود بنابه توافق با پاکستان، ۴۰۰۰ مگاوات انرژی الکتریکی به پاکستان منتقل می‌نماید و پاکستان در مقابل، ۵۰۰ میلیون دلار برای اجرای دو طرح تولید نیرو در تاجیکستان و هزینه‌ی خط انتقال آن به پاکستان به این کشور آسیای مرکزی می‌پردازد. این برنامه احتمالاً تا پایان سال ۱۹۷۷ به انجام خواهد رسید.^(۱۶) دو کشور نیز یک موافقتنامه تهاتری برای ورود چای، گندم، برنج و گوشت از پاکستان در قبال پنبه و آلومینیوم از تاجیکستان با یکدیگر امضا نمودند. در ژوئای ۱۹۹۲، پاکستان به منظور ایجاد خط ارتباطات ماهواره‌ای، احداث بزرگراهها، تولید مشترک تجهیزات مخابراتی و ساخت واگنهای راه‌آهن برای خطوط آهن آسیای مرکزی در پاکستان قراردادهایی با ازبکستان امضا نمود.^(۱۷) پاکستان نیز جهت همکاری‌های مشترک در زمینه‌های کشاورزی، معدن، کالاهای صنعتی و دیگر بخشهای اقتصادی از قبیل منابع آبی، تولید نیرو، آبیاری و احیای اراضی موات تفاهمنامه‌هایی را با جمهوری ازبکستان منعقد نموده است.

پاکستان چندین موافقتنامه با قزاقستان در مورد تجارت، ارتباطات، مبادلات علمی و تکنیکی و تبادل اطلاعات امضا کرده است. پاکستان در مورد کالاهای نساجی، دارو، کفش، تجهیزات و ماشین‌آلات، خدمات بانکداری و کارخانجات سیمان با قزاقستان طی یک موافقتنامه به تفاهم رسیده است.

ارتباطات

فرصت و مزیت اصلی که پاکستان به جمهوری‌های آسیای مرکزی محصور در خشکی ارائه می‌دهد این است که تمامی جمهوری‌ها قادر خواهند بود از تسهیلات بندری کراچی استفاده برند. چنانچه توجه کنیم، «از دوشنبه پایتخت تاجیکستان تا ولادیوستک در ساحل اقیانوس آرام حدود ۹۵۰۰ کیلومتر فاصله است، تا «روستو»^۱ در کناره دریای سیاه ۴۲۰۰ کیلومتر فاصله است؛ آبادان و بندرعباس در کناره خلیج فارس، حدود ۳۲۰۰ کیلومتر با بندر کراچی فاصله دارند، و کراچی در ساحل دریای عرب به فاصله ۲۷۰۰ کیلومتری دوشنبه قرار دارد. ارزیابی‌های دیگر از راههای دیگر، فاصله کشورهای آسیای مرکزی و دریای عرب در پاکستان را حدود ۲۰۰۰ کیلومتری دادند.^(۱۸) برآوردها براساس راه اسفالته، حاکی از ۶۵۰ کیلومتر فاصله بین دوشنبه و پیشاور (۱۶ ساعت رانندگی با اتومبیل) می‌باشند.

چندین جاده از پاکستان به آسیای مرکزی فراهم است. کوتاهترین راه تجاری، بزرگراه «کاراکورام»^۲ است که از راولپندی، گیلجیت^۳ و خنجراب^۴ می‌گذرد و به شهر کاشغر^۵ (شهر ترکستانی) و سپس آلماتا پایتخت قزاقستان می‌رسد. جاده‌های ارتباطی اصلی، (که بعضی از افغانستان عبور می‌نماید) یکی از پیشاور - جلال‌آباد - ترمز^۶ در کناره رود آمودریا^۷ به تاجیکستان می‌رسد و دیگری از کویته^۸ و چامان از طریق قندهار^۹ و هرات^{۱۰} به آسیای مرکزی منتهی می‌گردد. چهارمین امکان برای خطوط و راهها پس از چیترال^{۱۱} در امتداد گذرگاه واخان^{۱۲}

1. Rostov- NA- Aonu

2. Karakoram

3. Gilgit

4. Khunjab

5. Kashghar

6. Termez

۷. دو رودخانه مهم تاجیکستان سیر دریا با سیحون، آمودریا با جیحون می‌باشند. سیردریا از شمال این کشور عبور می‌کند. رود آمودریا یا جیحون (Oxus River) که پرآب‌ترین رود منطقه است از کوههای پامیر سرچشمه می‌گیرد و پس از عبور از جنوب این کشور و تشکیل مرز جنوبی آن با افغانستان وارد خاک ازبکستان، سپس ترکمنستان شده تا سرانجام در خاک ازبکستان به دریاچه آرال می‌ریزد. طول این رود ۲۵۴۰ کیلومتر می‌باشد. (مترجم)

8. Quetta

9. Qandhar

10. Herat

11. Chitral

به تاجیکستان می‌رسد. پنجمین جاده از راه ایران عبور می‌نماید؛ به این ترتیب که از کویته به کناره کوه تفتان (بلوچستان) و سپس به زاهدان و از آنجا به عشق‌آباد می‌رسیم. جاده‌هایی که از افغانستان می‌گذرند در حال حاضر به علت اوضاع جنگی این کشور، مسدود می‌باشد. بیشتر موافقتنامه‌ها بین پاکستان و کشورهای آسیای مرکزی قابل اجرا و عملی نیستند تا هنگامی که اوضاع عادی و آرامش به افغانستان بازگردد.

پاکستان موافقت نموده که چهار بزرگراه در افغانستان و یک بزرگراه در ازبکستان به منظور توسعه ارتباطاتش با کشورهای آسیای مرکزی احداث نماید. پاکستان ساختن یک بزرگراه در ساحل غربی یک رودخانه که فاصله بین پیشاور و کراچی را ۴۰۰ کیلومتر کاهش می‌دهد در برنامه دارد. همچنین، یک خط راه‌آهن دو طرفه از پیشاور به کراچی، اسکله‌ای جدید در گواتر^{۱۳} در بلوچستان و تسهیلات اضافی در بندر کراچی جهت جابجایی بارهای کشتی‌ها برای آسیای مرکزی در حال توسعه می‌باشد.^(۱۹)

طرح‌های گوناگون دیگری به منظور ایجاد خطوط راه‌آهن که از طریق افغانستان به آسیای مرکزی منتهی می‌شود پیشنهاد شده‌اند. قزاقستان پیشنهاد ایجاد یک خط‌آهن شمالی - جنوبی را دریافت نموده است که جمهوری‌های آسیای مرکزی را به «پاسنی»^{۱۴} (در پاکستان) در دریای عرب از طریق افغانستان متصل می‌نماید. وزیر امور مالی پاکستان، «سرتاج عزیز»^{۱۵}، فاش کرده است که سیصد مایل خط راه‌آهن بین چچمان^{۱۶} (پاکستان) و کوسکا^{۱۷} (ترکمنستان) که از قندهار^{۱۸} و هرات^{۱۹} (افغانستان) می‌گذرد کراچی را به بقیه جمهوری‌های آسیای مرکزی متصل می‌نماید.^(۲۰) این امر جمهوری‌های آسیای مرکزی را قادر به صدور کالاهای خود به آفریقا، خاورمیانه، آسیای جنوب شرقی و دیگر کشورها می‌نماید. مطالعات اولیه برای اجرای چنین پروژه‌ای از طرف پاکستان و جمهوری‌های آسیای مرکزی در حال انجام است.

خطوط هوایی بین‌المللی پاکستان^{۲۰}، پروازهایش را به تاجیکستان و ازبکستان آغاز نموده است. یک برنامه مشترک برای تشکیل خطوط هوایی مختص «اکو» که در گردهمایی وزرای خارجه کشورهای عضو در اسلام‌آباد (نوامبر ۱۹۹۲) مورد توافق قرار گرفت به‌طور فعال دنبال می‌گردد.

12. Wakhan

14. Pasni

16. Chaman

18. Kandhar

20. Pakistan International Airlines (PIA)

13. Gawadar

15. Sartaj Aziz

17. Kuska

19. Herat

فرهنگ

پاکستان چندین موافقتنامه برای افزایش و ترفیع روابط فرهنگی با کشورهای آسیای مرکزی به امضا رسانده است. این توافقنامه متضمن تبادلات علمی و فنی، آموزش برنامه‌ها جهت کارکنان در امر بانکداری، تجارت، مالیات بر درآمد و تحصیل دانشجویان جمهوری‌های آسیای مرکزی در دانشگاه‌های پاکستان و دیگر خدمات می‌باشد. به علاوه، تفاهمنامه‌های متعددی از طرف پاکستان و جمهوری‌های آسیای مرکزی برای تبادل دانشجو، استاد و کتابهای دانشگاهی منعقد شده‌اند.

سطح چندجانبه

سازمان همکاری اقتصادی (اگو) در ۱۹۵۸ به عنوان یک سازمان جانشین برای سازمان همکاری و عمران منطقه‌ای (RCD) که در ۱۹۶۴ به وسیله ایران، ترکیه و پاکستان شکل گرفت محسوب می‌شود. پیمان RCD به لحاظ نبود اراده سیاسی بین نخبگان سیاسی سه کشور و نظام ویژه دوقطبی در سطح بین‌المللی تجربه موفقی برای تجمع منطقه‌ای نبود. پیمان RCD تا سال ۱۹۸۵ در حال رکود و بی‌حرکت باقی ماند تا اینکه به سازمان همکاری اقتصادی (اگو) تغییر نام داد. پس از فروپاشی شوروی، جمهوری‌های آسیای مرکزی علاقه و تمایل خود را نشان داده و نمایندگان این کشورها در گردهمایی تشکیل شده از اعضای اگو در تهران که شامل رؤسای جمهوری اسلامی ایران، ترکیه و نخست‌وزیر پاکستان بود شرکت نمودند.

در اجلاس فوریه ۱۹۹۲، یک پروتکل که ساختار تعرفه ترجیحی را معین می‌نمود به منظور اولین قدم برای برپایی یک بازار مشترک بین کشورهای عضو امضا گشت. در اجلاس عشق‌آباد (ترکمنستان) که در مه ۱۹۹۲ برپا شد در مورد ایجاد راه آهن جدید در طول جاده ابریشم، احداث یک بزرگراه و یک خط لوله گاز توافق گردید. (۲۱) هفت عضو جدید (افغانستان، ازبکستان، ترکمنستان، قزاقستان، قرقیزستان، آذربایجان و تاجیکستان) رسماً به عنوان اعضای جدید در شورای وزیران اگو که در ۲۸ نوامبر ۱۹۹۲ در اسلام‌آباد تشکیل شد معرفی گشتند. موضوعات دیگر شامل گسترش تجارت، ارتقای روابط فی‌مابین، همکاری در زمینه کشتیرانی، خدمات هوایی، راه آهن، جاده‌ها، خدمات پستی، ارتباطات راه دور، جهانگردی و مبادلات فرهنگی و علایق معنوی مورد بحث و گفتگو قرار گرفتند.

اگو قدمهای جمعی چندی به منظور ایجاد یک بازار مشترک برای کشورهای عضو

برداشته است. در کنفرانس وزرای امور خارجه اكو مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۹۲ (اسلام آباد)، تاسيس اطاق بازرگانی اكو، بانك توسعه اكو، خطوط هوایی اكو و برقراری تعرفه ترجیحی برای کشورهای عضو مورد تصویب قرار گرفت. سالها وقت لازم است تا رؤیای ایجاد بازار مشترك به واقعیت پیوندد؛ اما اولین قدمها در آن مسیر برداشته شده‌اند. در کوتاه مدت، چارچوب اكو به این امر که رقابتهای ناسیونالستی بین ایران، پاکستان و ترکیه خاموش باشند کمک می نماید.

اضطراها و مضیقه‌ها

شمار بسیاری از قیود که ارتباط نزدیک بین پاکستان و آسیای مرکزی را محدود می نماید موجود است. آنها شامل محدودیتهای اقتصادی، مشکل حل نشده افغانستان، وضعیت متزلزل بیشتر رژیمهای آسیای مرکزی، حضور دیگر بازیگران بین المللی و سیاستهایشان می باشد.

الف) محدودیتهای اقتصادی

محدودیت عمده پاکستان از جهت اقتصادی در فقدان منابع مالی کافی برای عملی نمودن رؤیای ساختن پلی به سوی جمهوریهای آسیای مرکزی و تحکیم وحدت جامعه اكو است. اعتبارهای اعطایی پاکستان به جمهوریهای آسیای مرکزی ماهیتاً جنبه سمبلیک داشته است. توسعه یک ساختار مؤثر برای ارتباطات، مقادیر معتابهی از سرمایه گذاریها را که پاکستان به سختی می تواند جذب نماید فراهم می کند. جمهوریهای آسیای مرکزی در تبادلات خارجی موفق نبوده و قادر نخواهند بود به طور عمده در این زمینه سهم شوند. با این حال، پاکستان می تواند کشورهای عرب را که همیشه شدیداً در پی توسعه آسیای مرکزی هستند به منظور سرمایه گذاری جهت توسعه ساختاری وسایل ارتباط جمعی در این منطقه متقاعد نماید.

امکان یا عدم امکان عملی شدن بسیاری از سرمایه گذاریها و طرحهای مشترك بین پاکستان و آسیای مرکزی به طور جدی مورد سؤال اقتصاددانان می باشد. برای مثال، گفته می شود که هزینه خط انتقال نیروی الکتریسیته از تاجیکستان به پاکستان بسیار گرانتر تأمین خواهد شد از اینکه این نیرو در داخل تولید گردد. (۲۲) در واقع، در مورد بنیاد و پایه بسیاری از چنین قراردادهای همکاری مشترك اقتصادی به طور جدی اندیشه نشده است. از قوه به فعل درآمدن این موافقتنامهها احتمالاً برنامه ریزان را به نتایج واقعی تری رهنمون می سازد.

ب) عامل افغانستان

محدودیت دیگر و احتمالاً مهمترین محدودیت پاکستان، شرایط سیاسی غیرعادی و پیچیده افغانستان می باشد. قبلاً اشاره شد که راههای اصلی ارتباطی پاکستان به آسیای مرکزی از افغانستان عبور می نمایند. بنابراین، تا وقتی شرایط عادی به افغانستان بازگردد رؤیای پاکستان از ایجاد رابطه مؤثر با کشورهای آسیای مرکزی به صورت غیرواقعی باقی خواهد ماند.

وضعیت کنونی در افغانستان همچنان به صورت بی ثبات و متزلزل به علت وجود جنگهای داخلی به صورت دوره‌ای بین گروههای مقاومت اصلی ادامه خواهد داشت؛ گروههایی که قهرمانانه در مقابل اتحاد شوروی ایستادگی کردند. پیروزی باشکوه مجاهدین و فروپاشی رژیم نجیب... در کابل در آوریل ۱۹۹۲، امیدواری‌ها را چنان افزایش داد که مجاهدین قادر خواهند بود اختلافات سیاسی داخلی خود را دوستانه حل نمایند، اما انتظارات در جهت صلح تاکنون جلوه‌گر نشده‌اند. در واقع، از آنجا که دورنماهای یک توافق صلح‌آمیز در افغانستان تیره به نظر می‌رسد، طیف بالکائیزه شدن افغانستان به واسطه تنوع نژادی، افق سیاسی جنگ خانمان برانداز را تیره‌تر می‌نماید که این امر پیامدهای جدی برای آسیای جنوب غربی و آسیای مرکزی دارد. ما درباره سناریوهای جایگزین وضعیت سیاسی افغانستان در بخش بعدی به طور خلاصه بحث می‌کنیم.

معمای بحران افغانستان بیشتر به جهت عدم توافق بین دو گروه مقاومت اصلی افغانستان (گلبدین حکمتیار رهبر حزب اسلامی و برهان‌الدین ربانی رهبر جمعیت اسلامی) در مورد میزان مشارکت هریک در قدرت حاکمه می‌باشد. همزمان با اضمحلال رژیم نجیب، فرمانده ازبک او، ژنرال دوستم در شمال افغانستان با احمدشاه مسعود وابسته به جمعیت اسلامی وحدت نمود که سرنگونی رژیم نجیب را باعث گردید.^(۲۳) این اتحاد ازبک - تاجیک باعث نزدیکی ژنرالهای پشتون رژیم نجیب... به حزب اسلامی حکمتیار که در مناطق پشتون‌نشین در جنوب و شرق افغانستان نفوذ بسیاری دارد گشت.

بقایای رژیم نجیب...، برای نجات جانشان، بر رقابتهای نژادی که قبلاً در داخل مقاومت افغان مطرح نبود تکیه نموده آن را دامن می‌زنند. اولین رئیس‌جمهور موقت افغانستان، صبغت‌الله مجددی، به واسطه عطف توجه به توانایی نظامی ژنرال دوستم در تحکیم یا تزلزل هر رژیمی، تفاهمنامه پیشاور که دو ماه آتش‌بس را متضمن می‌شد امضا کرد؛ این امر دامنه اختلافات را بسین دو گروه اصلی وسیع‌تر نمود. ربانی در ۲۸ ژوئن ۱۹۹۲ به عنوان ریاست‌جمهوری در این سمت جای گرفت و مترصد شد که میلیشیا ازبک را از کابل

بیرون‌راند؛ موضوعی که محور اصلی مباحثهٔ ربانی و گلبدین حکمتیار بود. با این حال، پس از یک دورهٔ کوتاه از انعقاد قرارداد متارکهٔ جنگ با حزب اسلامی، در زمانی که «استاد فرید» به‌عنوان نخست‌وزیر به نمایندگی حکمتیار و تاجیکها این سمت را عهده‌دار بود، ربانی مثل رئیس‌جمهور قبلی، ترجیح داد که به حمایت میلیشیای ازبک دوستم برای بقای رژیم شکننده و متزلزل تکیه نماید. ربانی تصدی پست ریاست جمهوری را از طریق شورای منتخب ریش‌سفیدان که در ۳۰ دسامبر ۱۹۹۲ تشکیل شد به مدت دو سال تمدید نمود، و به این ترتیب گروه گلبدین حکمتیار را از قدرت بیشتر دور نمود.^(۲۴) در حال حاضر یک جنگ خانگی وحشیانه در افغانستان جریان دارد که هیچ‌گونه دورنمایی از فروکش کردن آن در دیدرس نیست. طرفهای خارجی ذی‌نفع در بحران، یعنی پاکستان، ایران، عربستان سعودی و ایالات متحده فاقد هماهنگی و تناسب مؤثر در سیاستهایشان نسبت به افغانستان بوده این امر باعث پیچیدگی بیشتر وضعیت می‌گردد. پاکستان، در روند تغییر مواضع از حمایت گروه حکمتیار و به‌کارگیری سیاست جایگزین آن نیز موفق نبوده است و در نتیجه بر رویدادهای افغانستان تأثیر تعیین‌کننده نداشت.^۱ در راستای تصمیم پاکستان برای توسعهٔ روابطش با کشورهای آسیای مرکزی، این کشور حکمتیار را در ۲۵ ژانویه ۱۹۹۲ اخراج نمود و در جهت ایجاد یک ائتلاف و پیوستگی تمامی عناصر مرتبط با مقاومت افغانستان، گروههای مجاهدین موافقتنامهٔ پیشاور را در تاریخ ۲۴ مارس ۱۹۹۲ امضا نمودند.^(۲۵) در تأیید این موافقتنامه، گروههای اصلی پشتون که شامل بیش از ۲۵ درصد از جمعیت افغانستان می‌باشند شرکت نداشته و تحریم شدند؛ گروههایی که به‌طور سنتی قدرت را در ادارهٔ کشور در دست داشتند. سیاست پاکستان به‌طور غیرمنتظره‌ای موقعیت حکمتیار را بیشتر تقویت نمود به‌طوری که تمامی گروههای پشتون را که بر مسئلهٔ تقسیم نژادی بسیار مٌصِر هستند به سمت حکمتیار کشانید؛ ایران و عربستان سعودی در تأمین و ارتقای منافع منطقه‌ای خود از طریق حمایت از گروههای کوچک بسیار ذی‌نفع بوده‌اند که این امر روند مصالحه را پیچیده‌تر می‌نماید. ایران، حزب وحدت اسلامی (متشکل از شیعیان هزاره‌جات) و عربستان سعودی حزب اتحاد اسلامی (شامل سنی‌ها به رهبری عبدالرسول سیاف) را از نظر مالی پشتیبانی و حمایت می‌کنند؛ سیاف کسی است که اغلب نقش یک میانجی منازعات بین گروههای سنی و شیعه در کابل را از وقتی مجاهدین قدرت را به دست

۱. لازم به ذکر است اگرچه این مقاله پیش از تحولات اواخر سال میلادی گذشته (۱۹۹۶) در افغانستان و پاکستان نگاشته شده، ولی به لحاظ مشخص نمودن شقوق ممکن‌الوقوع بویژه در مورد افغانستان، نقطه‌نظرهای نویسندهٔ پاکستانی قابل توجه می‌باشد.

گرفتند عهده‌دار بود. ایالات متحده آشکارا باید منافعش را در افغانستان پس از فروپاشی اتحادشوروی سابق به‌طور مستقیم دنبال نکرده، از طریق پاکستان و عربستان سعودی آن منافع را پیگیر باشد.

سه سناریو ممکن و احتمالی در شرایط لغزنده فعلی در افغانستان عبارت‌اند از:

۱. تلاشی هماهنگ به‌وسیله طرفهای خارجی می‌تواند به انعقاد یک موافقتنامه در مورد شرکت تمامی گروههای مجاهدین در قدرت منجر شود؛
۲. ادامه جنگ داخلی و لبنانیزه شدن افغانستان؛
۳. تجزیه افغانستان بین گروههای نژادی.

در اولین سناریو، نشانه‌های جدی از تلاش ایران، پاکستان و عربستان سعودی به‌منظور مذاکره در جهت امضای قرارداد بین گروههای مقاومت مجاهدین دیده می‌شود تا در نتیجه برنامه انتخابات عمومی در کشور و تشکیل ساختار فدرال صورت گیرد. (۲۶)

دومین آلترناتیو گویای یک جنگ داخلی طولانی است که در آن رهبران قبیله‌ای، مذهبی و نژادی گوناگون کینه‌ها و دشمنی‌های خانوادگی و قبیله‌ای را بدون هرگونه آتوریت مرکزی اعمال می‌نمایند. در این صورت، افغانستان مثل لبنان و یوگسلاوی تکه‌تکه خواهد شد. سومین آلترناتیو، تجزیه افغانستان میان گروههای نژادی گوناگون است. ازبکها، تاجیکها، و پشتونها می‌توانند دولتهای جداگانه خود را برپا کنند یا در دولتهای مجاور ترکیب و ادغام شوند.

بعضی عناصر در این جوامع در جهت اجرای آلترناتیو سوم می‌اندیشند و بعضی از قدمهای اولیه این امر از جهت دیپلماتیک برداشته شده است. (۲۷) مشکل است بتوان پیشگویی کرد کدام سناریو جامه عمل به خود می‌پوشاند اما یک چیز مسلم است و آن اینکه روابط و برخوردهای معنی‌دار پاکستان با دولتهای آسیای مرکزی باید تا دستیابی راه‌حلی برای بحران افغانستان به تعویق افتد.

ج) رژیمهای آسیای مرکزی با ویژگی انتقالی

وضعیت انتقالی بیشتر رژیمهای آسیای مرکزی یک مانع اصلی دیگر در راه پویایی رابطه مستحکم به حساب می‌آید. این کشورها به‌وسیله «نخبگان کمونیست»^۱ اداره می‌گردند که صرفاً نام احزاب سیاسی را تغییر داده‌اند. سیاستهای کلی باید طوری اعمال گردند که تغییرات اساسی

در دو زمینه داخلی و سیاست خارجی را موجب گردند. حوادث اخیر در تاجیکستان منجر به جابجایی نخبگان کمونیست به وسیله ائتلافی از کمونیستهای میانه‌رو و معتدل، لیبرالها و رهبران گروههای اسلامی شد و سپس دوباره کمونیستها به طور انحصاری در دسامبر ۱۹۹۲ (با کمک ارتش روسیه) قدرت را به دست گرفتند که نشان‌دهنده شکست سیاسی این رژیمها می‌باشد. وزیر خارجه تاجیکستان، به واسطه شرایط متزلزل داخلی نتوانست در مراسم تشریفاتی اکو در استانبول که طی آن تاجیکستان به عنوان عضو رسمی پذیرفته شد شرکت نماید. به علاوه، شمار ۸۰،۰۰۰ نفر پناهنده تاجیک گریزان از نیروهای کمونیست پایه فرار گذاشتند و از آمودریا به سمت جنوب (افغانستان) رهسپار شدند که دارای عواقب جدی بالقوه برای هر دو کشور (تاجیکستان و افغانستان) می‌باشد.^(۲۸) گزارش شده است که این پناهندگان تاجیک متقاضی کمک از دولت افغانستان برای مبارزه با حاکمیت کمونیست تاجیکستان بودند. بعید است که دولت افغانستان به واسطه مشکلات داخلی خود، قادر باشد در کوتاه مدت به معارضین دولت تاجیکستان کمک قابل توجهی بنماید؛ اما اگر افغانستان در جهت یکپارچگی قدم بردارد به نظر می‌رسد بتواند در آینده در جهت براندازی رژیم تاجیکستان به پناهندگان تاجیک کمک نماید. روشن است که در حال حاضر این امر یک امکان دوراز دیدرس می‌باشد.^(۲۹)

علاوه بر مسئله بقای سیاسی این رژیمها، دولتهای آسیای مرکزی فاقد نظامهای پولی، مؤسسات مالی، ارتش، سفارتخانه‌ها و هیأت‌های ویژه بازرگانی می‌باشند. اقتصاد آنها هنوز به روبل متصل است که کسی حاضر به خرید روبل نیست. این اوضاع، باعث دلسردی سرمایه‌گذاران بخش خصوصی شده که نمی‌خواهند در یک فضای اقتصادی و سیاسی نامطمئن فعالیت اقتصادی نمایند. موافقتنامه‌های تهاتری بازرگانی امضا شده‌اند؛ اما سرمایه‌گذاری‌های اصلی به واسطه موانع و مشکلات عدیده صورت نگرفته‌اند.

د) دیگر بازیگران بین‌المللی

حضور دیگر بازیگران بین‌المللی از جمله ایران، ترکیه، روسیه، قدرتهای غربی، هندوستان، اسرائیل، دورنماهای جدید امکانات، جمهوری‌های آسیای مرکزی را با ویژگی انتخابهای چندگانه متمایز می‌سازد. ترکیه به آسیای مرکزی به عنوان امتداد طبیعی و فرهنگی

«سرزمین آناتولی»^۱ می‌نگرد و در رؤیای بنیاد یک «بازار مشترک ترک»^۲ به سر می‌برد. در این راستا، چندین موافقتنامه اصلی با کشورهای نوبنیاد در زمینه‌های علمی، بازرگانی، تجاری، نظامی، آموزشی و خطوط ماهواره به امضا رسیده است. همچنین، ایران مناسباتش را با کشورهای آسیای مرکزی بویژه در امور ساختن مساجد، فراهم نمودن آموزشهای مذهبی و روابط سیاسی و اقتصادی گسترش می‌دهد.^(۳۰)

روسیه هنوز در امور کشورهای آسیای مرکزی از نفوذ بسیاری برخوردار بوده و بدیهی است که در روسیه این‌طور استنباط می‌شود که آسیای مرکزی تلاش دارد از زیر نفوذ سنتی روسیه خلاص گردد. تاس، سازمان خبرگزاری روسیه، در مورد شکل‌گیری اکو چنین تفسیر می‌نماید:

«اکنون ما می‌توانیم بگوییم که آسیای مرکزی به واسطه همسایگان مسلمانش بسیار قدرتمندتر خواهد بود از شکل جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع (CIS). در نتیجه روسیه، در مرزهای جنوبی خود یک اتحاد در حال ارتقا و رشد از کشورهای مسلمان مستقل را ناظر خواهد بود بجای جمهوری‌های منفردی که هریک در پی همکاری با مسکو هستند. جمهوری‌های مسلمان سریعاً از قلمرو نفوذ روسیه خارج شده و به سوی قلمرو نفوذ قدرتهای جهان اسلام گرایش پیدامی‌کنند».^(۳۱)

ایالات متحده آمریکا، قدرتهای غربی، کشورهای عربی، هندوستان، اسرائیل و بسیاری از دیگر کشورها در حوزه آسیای مرکزی ذی‌نفع هستند و توانایی اقتصادی بیشتری برای نزدیکی به این کشورها دارند تا اینکه این کشورها به عنوان کشورهای منطقه‌ای به حساب آیند. بنابراین، ویژگی‌های نزدیکی جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی و مذهبی بین آسیای مرکزی و آسیای جنوب غربی فرصت و زمینه طبیعی برای کشورهای چون ترکیه، ایران، افغانستان و پاکستان فراهم می‌آورند. با این حال، روشن نیست آیا ترکیه، ایران، افغانستان و پاکستان ترجیح می‌دهند که سیاستهای خود را در چارچوب اکو هماهنگ نمایند یا علاقه‌مندند هریک به‌طور جداگانه و مستقل در جنبه‌های گوناگون به فعالیت پردازند.

یادداشتها

1. See the following articles: Ghani Eirabie, «The Promise ECO holds» Dawn (Karachi) 19 December 1992; Mushahid Hussain, ECO: A bloc is born» The Nation (Lahore) 29 November 1992; Shameem Akhtar, «Relations with Central Asian States—, Dawn 14 August 1992, S.Rifaat Hussain, «Political Economy of Pak Relations with CARS», Regional Studies (Islamabad) Autumn, 1992.
2. See, V.A.Jafarey «Economic Relations between Pakistan and Central Asia» The Muslim (Islamabad) 13 December 1992, Eqbal Ahmad, «Prospects in Central Asia» Dawn 6 December 1992.
3. Tahir Amin and Mohammad Islam, «Pakistan - United States Aid Deal: A Pakistan Perspective» Pakistan Journal of American Studies, Vol.2, No.1 (March 1984).
4. Shameen Akhtar (1992).
5. Mohammad Ali Siddiqi, «Whither US-Pakistan ties?» Dawn 19 January 1993.
6. Abida Hussain, Pakistani Ambassador to the US made these remarks at a seminar held at the MIT, Cambridge in January 1992. All also see Robert B.Oakley's (the former US ambassador to Pakistan) report, Afghanistan and Post-Soviet Central Asia, (Washington: USIP, 1992).
7. See excerpts from Pentagon's report published in the New York Times 8 March, 1992; See for a background: Tahir Amin, The Tashkent Declaration: Third Party's Role in the Resolution of Conflict, (Islamabad: institute of Strategic Studies 1981).
8. Dawn 28 June, 1992.
9. The News, 29th November 1992.
10. See an Economic Report on the Visit of Pakistan's delegation to Central Asian Republics, (Economic Affairs Division, Government of Pakistan, Islamabad, 1992).
11. India and Central Asia: Past, present and future, (Institute of Regional Studies, Islamabad, 1992).
12. Dawn (Karachi) 30 November, 1992.
13. The Muslim, (Islamabad), 29 November 1992.
14. *Ibid.*
15. See Economic Report on the Visit of Pakistan's Delegation to Central Asian Republics, (Economic Affairs Divisions, Government of Pakistan, Islamabad 1992).
16. *Ibid.*
17. Based on the text of agreement signed between Pakistan and Uzbekistan.

18. See Ghani Eirabie, «The Promise ECO holds» Dawn 19 December 1992; - «The Peril ECO faces» Dawn 20 December 1992; - «New Calculus of Muslim power, Dawn, 21 December 1992.
19. *Ibid.*
20. The Muslim, 1 December 1992.
21. Syed Riffat Hussain, «The Ashkabad Summit» Strategic Perspective, (Islamabad) Vol.1, No.3, 1992.
22. Khalid Saeed, «Power Generation in Central Asia» «The Frontier Post», 26 May 1992.
23. See a useful analysis, Rahimullah Yusufzai, «More Troubles Ahead for Afghans, 2 January 1993.
24. The News, December 31, 1992.
25. See for the details of shift in Pakistan's Afghan Policy, The News, 28 January 1992.
26. A preliminary agreement has been signed among the Mujahideen group see Dawn., 1 January 1993.
27. See a very insightful report in the Nation, (Lahore), 8 September 1992.
28. See «Central Asia: The Silk Road Catches Fire», *The Economist*, (London) December 26, 1992 to January 8, 1993.
29. «The New Domino Game» *The Economist*, (London) December 19, 1992.
30. See Shireen T.Hunter, «The Muslim Republics of the Former Soviet Union: Policy Challenges for the United States», *The Washington Quarterly*, (Summer 1992).
31. Cites in Elizabeth Schogren, «ECO Ties with Central Asia» Dawn, 12 May 1992.